

پرسش

و

پاسخ

حقوقی

از: سیداسماعیل یوسف صفوی

آقای ح - حجتی سعیدی با طرح چهار سؤال متفاوت خواستار اظهارنظر در مورد آنها شده‌اند. چون پاسخ سوالهای ایشان می‌تواند مورد توجه دیگر مسئولان و دست‌اندرکاران بخش تعاونی قرار گیرد، لذا در زیر به درج هر سوال و پاسخ هر یک مبادرت می‌شود:

پرسش: با توجه به مفاد ماده ۲ و بندهای ۳ و ۵ اساسنامه مورد عمل شرکتهای تعاونی توزیعی (تأمین کننده نیاز مصرف‌کنندگان)، معامله با غیرعضو و رفع نیازهای مصرفی اینگونه افراد منع قانونی دارد یا خیر و در صورتی که تعاونیهای مصرف مجاز به عرضه کالا به عموم نمی‌باشند آیا می‌توان کالاهای فروخته شده به غیر اعضاء را در صورت حساب فروش کالا بنام عضو ثبت نمود تا رفع ممنوعیت گردد؟

پاسخ: آقای حجتی سعیدی برای پاسخگویی به سوال شما توضیح نکاتی به شرح زیر ولو به اختصار ضروری بنظر می‌رسد. اصولاً باید توجه داشت که در قوانین سابق تعاونی نیز شرکتهای تعاونی به منظور

رفع نیازمندیهای اعضاء تشکیل می‌شدند. معهداً انجام اقدامات مقرر در اساسنامه برای افراد غیرعضو، صرفاً و صریحاً در مورد شرکتهای تعاونی مسکن و اعتبار منع شده بود لیکن در قانون بخش تعاونی اقتصاد جمهوری اسلامی ایران با آنکه در تعریف تعاونیهای توزیعی، تأمین نیازمندیهای تولیدکنندگان یا مصرف‌کنندگان عضو دلیل تشکیل این نوع از تعاونیها ذکر گردیده اما به ممنوعیت معامله با غیرعضو اشاره‌ای نشده است. به این ترتیب با استفاده از عدم تصریح بر ممنوعیت تأمین نیازمندیهای غیرعضو در قانون بخش تعاونی و عرف و عادت معمول از گذشته تا بحال و نیز مفاد تبصره ذیل ماده ۳ اساسنامه انواع مختلف تعاونیها که به موجب آن تأمین نیازمندیهای شرکت به طرق مقتضی تجویز شده است می‌توان برحسب نوع تعاونی، افراد غیرعضو را نیز با رعایت شرایطی و عندالاقضاء عقد قراردادهای لازم از مزایای تعاونی منتفع نمود. در شرکتهای تعاونی مسکن چون معمولاً اعضاء وجوه معتابیهی را صرف خرید زمین و احداث واحدهای مسکونی برای خود

می‌کنند، لذا فروش مسکن یا زمینی که از محل منابع مالی اعضاء تأمین شده به غیرعضو اشکال و منع شرعی و حقوقی دارد مگر آنکه زمین و یا احداث واحدهای مسکونی با مشارکت و سرمایه‌گذاری دستگاههای دولتی، تعاونی و غیر آنها تأمین شده باشد که در این صورت متناسب با امکانات واگذار شده از سوی غیرعضو به تعاونی مسکن، مشروط به تصویب مجمع عمومی عادی و مطابق با قرارداد منعقد می‌توان قسمتی از زمین یا واحدهای احداث شده را در اختیار غیرعضو مشارکت کننده قرارداد.

در شرکتهای تعاونی مصرف، کالاهای اساسی تا زمانی که از لحاظ قیمت تفاوت قابل ملاحظه‌ای با فروشگاههای آزاد دارد، قابل فروش به غیرعضو نمی‌باشد زیرا موجبات اضرار اعضاء را که تعاونی متعلق به آنان است فراهم می‌کند ولی در مورد مواد مصرفی فاسد شدنی به شرط آنکه مجمع عمومی عادی فروش این قبیل کالاها را به غیر عضو تصویب نماید یا در صورتی که برخی از کالاها بعلت عدم مراجعه اعضاء برای خرید در معرض انقضای تاریخ مصرف یا فساد سریع قرار گیرند، می‌توان با تصویب هیات مدیره و نظر موافق بازرس یا بازرسان اصلی به منظور جلوگیری از ضرروزیان شرکت که مآلاً متوجه اعضاء می‌گردد، اقدام به فروش اینگونه کالاها به عموم مصرف‌کنندگان نمود. بدیهی است تأمین نیازمندیهای اعضاء با توجه به فلسفه وجودی شرکتهای تعاونی مصرف و سایر تعاونیهای توزیعی بعنوان اصل اساسی همواره در مقایسه با تأمین نیاز غیراعضاء از اولویت تام برخوردار است.

پرسش: چرا در ورقه سهم بعضی از شرکتهای تعاونی نام و مشخصات عضو نوشته می‌شود و گاه هر ورقه فقط نشانگر یک سهم است؟

پاسخ: اولاً چون سهام شرکتهای تعاونی با نام است لذا قید مشخصات سهامدار در متن ورقه سهم الزامی است و از آنجا که نقل و انتقال تمام یا بخشی از سهام عضو به عضو دیگر یا داوطلبان عصویت واجد شرایط با تصویب هیات مدیره و بهنگام خروج از عصویت شرکت یا تقلیل سهام (مشروط بر آنکه نابرابری سهام اعضاء با رعایت عدم تجاوز سهام هیچ عضوی از یک هفتم کل سرمایه شرکت) آزاد است لذا می‌بایست در ته برگ دسته اوراق سهام صادره که در شرکت تعاونی باقی می‌ماند و نیز پشت ورقه سهام امکان انتقال آنها را در چند مرحله با تعیین محل برای قید نام و مشخصات انتقال دهنده و انتقال گیرنده، تاریخ انتقال، مصوبه هیات مدیره و امضاهای لازم پیش‌بینی نمود.

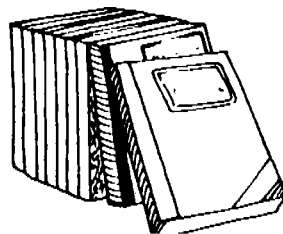
ثانیاً ورقه سهم می‌تواند به صورت یک سهم یا نماینده چند سهم چاپ شود. بعنوان مثال می‌توان ورقه سهم را معادل ده سهم یا کمتر یا بیشتر قرار داد مشروط بر آنکه هر ورقه سهم از حداکثر تعداد سهامی که در اساسنامه برای پذیرش عصویت مقرر شده یا در آیین‌نامه معاملات مصوب مجمع عمومی عادی برای خرید کالا و معامله عضو با شرکت تعیین شده است تجاوز نماید.

پرسش: با توجه به ماده ۲۶ اساسنامه نمونه مصوب ۱۳۷۱ وزارت تعاون که مورد تصویب مجمع عمومی فوق‌العاده اکثر تعاونیها

قرار گرفته است، هر فرد غیر عضو می‌تواند برگ نمایندگی تام‌الاختیار یا وکالتنامه از طرف حداکثر سه عضو را به مجمع عمومی تعاونی ارائه کند؟

پاسخ: از مقررات اساسنامه مورد اشاره قویاً استنباط می‌شود که ارائه حداکثر سه برگ نمایندگی تام‌الاختیار یا وکالتنامه به مجمع عمومی تعاونیها مختص اعضاء است و فرد غیر عضو صرفاً مجاز به ارائه یک برگ نمایندگی تام‌الاختیار از سوی عضوی که بنابه عللی شخصاً نمی‌تواند در مجمع حضور یابد می‌باشد. معذالک برای رفع اشکال و ابهام در این زمینه، مقتضی است که در آگهی دعوت مجمع عمومی به ممنوعیت ارائه بیش از یک برگ نمایندگی تام‌الاختیار تفویض شده از سوی عضو به غیر عضو اشاره شود.

پرسش: در مورد انتخاب اعضاء هیات مدیره شرکتهای تعاونی منظور قانون و اساسنامه از دوره‌های اول و دوم رأی‌گیری،



دوره اول و دوره دوم مدت مأموریت هیات مدیره است یا آنکه اصولاً رأی‌گیری به صورت دو مرحله‌ای مدنظر می‌باشد و این مورد شامل بازرسان تعاونی نیز می‌شود یا نه؟

پاسخ: چون مقررات اساسنامه تعاونیها نباید مخالف با مواد قانونی مربوط تنظیم و تصویب شود، با وجود مشکلات و معضلات متعددی که بر انتخاب دو مرحله‌ای هیات مدیره مترتب است، معهدا در جهت تمکین از قانون مصوب مجلس شورای اسلامی، در اساسنامه انواع گوناگون شرکتهای تعاونی، انتخابات هیات مدیره در هر دوره به صورت دو مرحله‌ای پیش‌بینی و قید شده است و انجام مرحله دوم انتخابات هیات مدیره که بنابر تأکید قانون می‌بایست بلافاصله پس از انجام مرحله اول صورت گیرد به هنگامی ضرورت می‌یابد که تمام یا بعضی از کاندیداهای مورد نیاز برای انتخاب شدن به تعداد مقرر در اساسنامه (اصلی و علی‌البدل) نتوانند لااقل نصف بعلاوه یک آراء اعضاء حاضر در جلسه را تحصیل نمایند و مرحله دوم فقط شامل برگزاری انتخابات در مورد کاندیداهایی می‌شود که در مرحله اول، اکثریت مطلق آراء حاضرین در جلسه را (منظور حداقل نصف بعلاوه یک آراء اعضاء شرکت کننده در مجمع عمومی است) کسب نمی‌کنند. البته در مرحله دوم انتخابات هیات مدیره تعداد کاندیداهای می‌بایست بصراحت قانون دو برابر تعدادی باشند که برای انتخاب شدن لازم است. گفتنی است که اعمال و اجرای قسمت اخیر قانون در مورد دو برابر شدن کاندیداهای عصویت در هیات مدیره با توجه به مقررات ناظر به اعلام کاندیداتوری قبلی اعضاء و احراز شرایط

قانونی در مورد آنها در بسیاری از موارد خاصه در تعاونیهایی با هفت عضو امکان پذیر نبوده و فاقد کاربرد اجرایی می باشد.

در مورد بازرسان اکثریت نسبی آراء کاندیداهای بازرسی ملاک انتخاب آنان است و اکثریت نسبی آراء در مقایسه تعداد آراء کاندیداها با یکدیگر مفهوم و مصداق می یابد و کاندیداهایی که نسبت به بقیه آراء بیشتری را کسب نمایند به ترتیب تعداد آراء به سمت بازرسان اصلی و علی البدل انتخاب می شوند.

پرسش: آقای احمدرضا مقدم بازرس یکی از شرکتهای تعاونی مسکن با اشاره به اینکه در مواردی از نمونه آئین نامه اجرایی تبصره ۳ ماده ۳ اساسنامه شرکتهای تعاونی مسکن به تصویب مقررات آئین نامه مذکور در مجمع عمومی فوق العاده تصریح شده است، سؤال کرده اند آیا تصویب آئین نامه های داخلی تعاونیه در صلاحیت مجمع عمومی عادی است یا فوق العاده؟

پاسخ: مطابق با وظایف و اختیاراتی که قانون برای مجامع عمومی عادی تعاونیه تعیین و احصاء نموده و در انواع گوناگون اساسنامه ها نیز قید شده است تصویب دستورالعمل ها و آئین نامه های داخلی شرکتهای اتحادیه های تعاونی در زمره وظایف و اختیارات مجامع عمومی عادی می باشد و احتمالاً در آئین نامه اجرایی مورد اشاره آقای مقدم بجای مجمع عمومی عادی اشتباهاً مجمع عمومی فوق العاده تحریر شده است. رفع اینگونه اشتباهات تحریری از سوی مسئولان محترم تعاونیه نیز ممکن و حتی لازم می باشد.

پرسش: آقای سیدکاظم علوی مدیرعامل

یکی از شرکتهای تعاونی توزیعی عنوان کرده اند که در مراجعه به اداره ثبت اسناد و مدارک شهرستان مربوط جهت ثبت افزایش سرمایه تعاونی مسئولان ثبت اظهار داشته اند که برای ثبت افزایش سرمایه می بایست ابتدا به اداره امور اقتصادی و دارایی محل مراجعه و پس از پرداخت مالیات متعلقه رسید آنرا اخذ و ارائه نمایند تا اقدام به ثبت گردد. ایشان خواستار اعلام نظر قانونی در این مورد شده اند.

پاسخ: بنابه صراحت ماده ۴۸ قانون مالیاتهای مستقیم و تبصره یک آن سهام شرکتهای سهامی و مختلط سهامی خواه طبع و منتشر شده یا نشده باشد براساس ارزش اسمی به قرار دو در هزار مشمول حق تمبر است و حق تمبر سهام شرکتهای سهامی باید ظرف یک ماه از تاریخ ثبت افزایش سرمایه در اداره ثبت شرکتهای از طریق ابطال تمبر پرداخت شود. لیکن مطابق با تبصره ۲ همین ماده از قانون مالیاتهای مستقیم، سهام شرکتهای تعاونی از پرداخت حق تمبر معاف است. بنابراین ادارات ثبت اسناد و املاک در مورد ثبت سرمایه تعاونیه یا افزایش سرمایه مجاز به مطالبه مفاصحا حساب مالیاتی نمی باشند.

باید توجه داشت که درآمد مشمول مالیات تعاونیه و سهام اعضای آنها ارتباطی به ثبت افزایش سرمایه شرکتهای تعاونی در اداره ثبت شرکتهای نداشته و تعاونیه مکلفند در مورد پرداخت مالیات سهام اعضا طبق بند د ماده ۱۰۵ قانون مالیاتهای مستقیم عمل نمایند.

پرسش: آقای تیمور حسن زاده رییس هیات مدیره شرکت تعاونی چندمنظوره

کارکنان یکی از ارگانهای دولتی با اعلام اینکه حوزه مالیاتی مربوط تعاونی مذکور را مشمول معافیت مقرر در ماده ۱۳۳ قانون مالیاتهای مستقیم ندانسته و از درآمد سالانه تعاونی چندمنظوره آنان مالیات وصول می کند خواستار توضیح چگونگی موضوع شده اند.

پاسخ: مطلبی که مورد استعلام آقای حسن زاده قرار گرفته است نیاز به شرح و بسط کاملی دارد که در این گفتار مجال آن نیست و لذا در پاسخ به سوال ایشان به ایجاز و اختصار متذکر می گردد:

با توجه به اینکه وزارت تعاون به موجب قانون بخش تعاونی بعنوان مرجع ناظر بر حسن اجرای قوانین و مقررات تعاونی در مورد بخش عمده ای از تعاونیه تعیین شده است بنابراین بحث پیرامون اینکه آیا اصولاً کارکنان دولت می توانند شرکت تعاونی چندمنظوره تشکیل دهند یا نه، بلحاظ تشکیل و ثبت موارد متعددی از تعاونیهای چندمنظوره برای کارکنان دولت در تهران و شهرستانها، از دایره استدلال موافق یا مخالف خارج است. لیکن با بررسی متن ماده ۱۳۳ قانون مالیاتهای مستقیم ملاحظه می شود که صددرصد درآمد شرکتهای تعاونی کارمندی، کارگری و برخی دیگر از تعاونیهای از پرداخت مالیات معاف شناخته شده اند.

التهایه نظر به اینکه قانون مالیاتهای مستقیم، شرکتهای تعاونی کارمندی را بطور عام و مطلق از پرداخت مالیات بر درآمد معاف کرده است، لذا اقدام حوزه مالیاتی یا هر مرجع دیگر (بنابه دلایلی اضافه بر آنچه که از ماده ۱۳۳ قانون اخیرالذکر مستفاد می شود و در

صورت ایراد اشکال از سوی مراجع مالیاتی به تفصیل تبیین و تشریح خواهد گردید) در تفکیک انواع تعاونیهای کارمندی به مشمول پرداخت مالیات یا معاف از آن چون موجب حصر و تضییق دایره شمول ماده ۱۳۳ قانون مالیاتهای غیرمستقیم می‌گردد صحیح و منطبق با قانون نمی‌باشد.

به منظور حسن ختام این قسمت از پرسش و پاسخ حقوقی، نظریه تفسیری شورای نگهبان در مورد ملاک ترجیح یکی از دو قانون معارض، که بر مبنای استفسار حضرت آیت‌الله جناب آقای هاشمی رفسنجانی ریاست محترم جمهوری اعلام شده و در روزنامه رسمی شماره ۱۴۹۸۰ مورخ ۱۳۷۵/۵/۲۰ درج گردیده است برای آگاهی علاقه‌مندان به مباحث حقوقی عیناً به شرح زیر درج می‌گردد:

شماره ۲۶۸۵۴/۰۴۶، ۱۳۷۵/۵/۱۴، شورای محترم نگهبان

نظریه اینکه تشخیص قانون موخر با عنایت به تحول و اصلاح قوانین، امری ضروری است و در مواردی احراز تقدم و تأخر قانون مستلزم آن است که معین شود اعتبار قانون متکی به تصویب مجلس یا تأیید شورای نگهبان می‌باشد، علیهذا با توجه به اصل ۷۱ قانون اساسی که وضع قانون را به عهده مجلس شورای اسلامی محول نموده و اصل ۹۳ که مجلس را بدون شورای نگهبان فاقد اعتبار قانونی اعلام داشته، نظر تفسیری آن شورای محترم در مساله زیر مورد تقاضا است:

آیا در تشخیص قانون مؤخر، تاریخ تصویب مجلس شورای اسلامی مؤثر در مقام است یا ملاک تأیید شورای نگهبان می‌باشد؟

برای مزید استحضار و به عنوان نمونه اضافه می‌نماید قانون بودجه سال ۱۳۷۴ کل کشور با قانون وصول برخی از درآمدهای دولت و مصرف آن در موارد معین، در موارد متعدد و تعارض دارند که لازم است تأخر یکی از آنها احراز شود. خصوصاً اینکه زمان تصویب، زمان اجراء و زمان تأیید شورای نگهبان در مورد آنها به شرح زیر بوده است:

فانون بودجه سال ۱۳۷۴ کل کشور	فانون نحوه وصول برخی از درآمدها و...
زمان تصویب ۱۳۷۳/۱۲/۲۸	زمان تصویب ۱۳۷۳/۱۲/۲۸
ساعت تصویب مؤخر (بعد از دستور جلسه شماره ۷ - صفحه ۲۸)	مقدم (دستور جلسه شماره ۶ - صفحه ۲۵)
زمان قابلیت اجرا تأیید شورای نگهبان مقدم ۱۳۷۳/۱۲/۲۸	زمان قابلیت اجرا تأیید شورای نگهبان مؤخر ۱۳۷۴/۱/۱۶

طبیعی است در صورتی که ملاک در مساله مطروحه، زمان تصویب مجلس باشد، قانون بودجه کل کشور که در روز ۷۳/۱۲/۲۸ در دستور بعدی مجلس قرار داشته مؤخر است و چنانکه تأیید شورای نگهبان ملاک در اعتبار قانون باشد، قانون



وصول برخی از درآمدهای دولت، قانون مؤخر است ولو آنکه قابلیت اجرای هر دو ۱۳۷۴/۱/۱ بوده است.

رئیس جمهور

اکبر هاشمی رفسنجانی

شماره ۲۱/۰۶۵۰، ۱۳۷۵/۴/۱۲

نظریه تفسیری شورای نگهبان در مورد ملاک ترجیح یکی از دو قانون معارض:

حضرت حجت الاسلام والمسلمین جناب آقای هاشمی رفسنجانی

ریاست محترم جمهوری اسلامی ایران

نامه شماره ۸۲۰۹۶ مورخ ۱۳۷۴/۱۱/۱۴ در جلسه مورخ ۱۳۷۵/۴/۶ شورای نگهبان مطرح شد و نظر تفسیری شورا بدین شرح اعلام می‌گردد:

«بدون تردید اعتبار قانونی مصوبات مجلس شورای اسلامی منوط به اظهار نظر شورای نگهبان است و در مقام تعارض دو قانون که شورای نگهبان هر دو را تأیید نموده است معیار و ملاک تاریخ تصویب مجلس شورای اسلامی است و در صورت وحدت زمان، قانون خاص قانون عام را تخصیص می‌زند.»

دبیر شورای نگهبان

احمد جنتی